

توسعه اقتصادی همراه با فرهنگ انسانی و عدالت اجتماعی

توسعه اقتصادی، تنها وقتی ثمربخش و مترقی است که با فرهنگ انسانی و عدالت اجتماعی هم‌سو باشد. بدون توجه به این دو جنبه اساسی، توسعه اقتصادی، اگر هم عملی شود، راه‌گشای جامعه به سمت زندگی شرافتمندانه و آگاهانه نیست.

عنصر اصلی فرهنگ انسانی، وجود دموکراسی به معنای عام کلمه است، به نحوی که همه افراد جامعه و همه گروه‌های اجتماعی، در میان اعتقادهای خود، در هر زمینه‌ای، آزاد باشند، زندگی اجتماعی بر اساس فعالیت آزاد اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، شوراهای محلی و شرکت‌های تعاونی جریان داشته باشد؛ هر برنامه‌ای و هر طرحی مورد بحث و تجزیه و تحلیل همگان و به خصوص متخصصان قرار گیرد و تمرکزگرایی، چه در قدرت سیاسی و چه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و فرهنگی نفی شود و به جای فرمان‌آزما، جمع‌بندی نظرهای درست و سالم (از پایین به بالا) مورد توجه قرار گیرد. باید همیشه به یاد داشت که حتی دموکراسی‌های کم‌رنگ اروپای غربی و کم‌رنگ‌تر از آن امریکای شمالی، نه هدیه جهان سرمایه‌داری، بلکه دستاورد مبارزه هزاران ساله بشر در سراسر گیتی است و، بنابراین، به دست آوردن و حفظ آن، به معنای حرمت گذاشتن به فرهنگ انسانی است.

فرهنگ انسانی، در عین حال، به معنای بالا بردن سطح اخلاق و دانش جامعه، چه در روابط فردی و تخصص‌های فردی و چه در روابط اجتماعی و کارآیی‌های جمعی است. و این، تنها وقتی عملی است که شرایط تحصیل و آموزش در دسترس همگان باشد و کارهای کلیدی به شوراهایی شامل کارآترین و بهترین کادرها سپرده شده باشد... در یک کلام، فرهنگ انسانی، به معنای وجود همه آن شرایطی است که می‌تواند جامعه را به صورتی که شایسته نام انسان است، درآورد... و «شاه کلیدی» که همه درها را به روی این فرهنگ انسانی می‌گشاید، وجود دموکراسی و آزادی‌های دموکراتیک است. شرق، و از آن جمله ایران، به جز

در موارد استثنائی، تمامی دوران شناخته شده تاریخ طولانی گذشته خود را، زیر ستم حکومت های خود کامه گذرانده است و، به همین دلیل، بعضی از «صاحب نظران» با مبلغان غربی هم آوا شده اند که، شرق شایسته دموکراسی نیست، چرا که موجب پراکنندگی و آشوب می شود و، بنابراین، همیشه باید یک «اراده نیرومند» بر آن حکومت کند. برای نفی این عقیده نادرست، تنها کافی است توجه کنیم که، در تمامی دوران تاریخی گذشته ما، این «اراده های نیرومند» جز در جهت ستم بر مردم و جلوگیری از رشد فرهنگی جامعه ر، در سده های اخیر، خدمت به منافع بیگانگان آزمند، کاری نکردند، مگر همین دموکراسی نیم بند اروپایی، از درون جامعه های استبداد زده و ضد انسانی سده های میانه سر بر نیآورده است؟ شاید این چند سطر، از زبان مارسل کاشن اندیشمند فرانسوی، بتواند گوشه ناچیزی از شرایط زندگی اروپائیان را، قبل از «دموکراسی» موجود، برای ما روشن کند:

«... بت پرستان آتن به سقراط جام شوکران نوشاندند، زیرا به خدایان جماعت، اعتقادی نداشت. دموکریست فیلسوف را از شهر «آبدر» راندند و هر اکلیت را از موطنش تبعید کردند. کلیسای کاتولیک، گالیله را زندانی کرد و کامپانلا را به بارپرسی فراخواندند و جیوردانو بورونورا در روم و وانی نی را در تولوز، زنده زنده سوزاندند. در دوران تفتیش عقاید، فریب به پنج میلیون نفر را، با درشعله های آتش خاکستر ساختند و یاد ر سیاه چال های مرگ خفه کردند. پروتستان های شهر ژنو، میشل سروه، طبیب والای معروف را به خرمن آتش سپردند. ریان های یهودی می خواستند اسپینوزا را سنگسار کنند، زیرا در نوشته خود به نام «در سئاله الهی و سیاسی»، همچون مردی آزاد فکر داوری کرده بود. دکارت، سر جنبان اندیشه نو در فرانسه، برای آن که آزاد باشد، میهن خود را ترک گفت و مدت بیست سال به جمهوری هلند پناهنده شد، زیرا کلیسا در تعقیب او بود. او نمی خواست، بیش از این، در «غار کوران» به سر یرد...»

و فراموش نکنیم که، پیشرفت فرهنگی و علمی اروپا، از زمانی آغاز شد که توانست خود را از زیر بار این «اراده های نیرومند» به طور نسبی آزاد کند.

عدم شایستگی ملت های شرق برای رسیدن به دموکراسی، یک شعار استعماری است، چرا که با این شعار می توان جلو اعتلای فرهنگی و اقتصادی شرق را گرفت و امروز بعد از وزیدن باد تند «نواندیشی»، حقانیت دموکراسی، بیش از هر زمان دیگری به اثبات رسیده است. حتی ارسطو، در دوران نظام بردگی یونان باستان، با هراس از نابودی دموکراسی برای «آزادها» می گفت: «مستبد، جز نابکاران را دوست نمی دارد، زیرا تشنه

ساده‌ای نبود.

ممکن است در این روش «آزمایش و خطا»، بن بست‌ها یا انحراف‌هایی پدید آید، ولی این، به هیچ وجه، به معنای نادرستی اندیشه «عدالت اجتماعی» نیست. اگر این جا و آن جا، به جای توصیه مارکس، که سرمایه‌یسم را به معنای اتحاد داوطلبانه مردم برای ساختن یک جامعه عادلانه می‌دانست، از روش‌هایی گاه بیدادگرانه، برای رسیدن به چنین جامعه‌ای، استفاده می‌شد، نه به معنای شکست‌تاز عدالت اجتماعی، بلکه به معنای شکست بیدادگری و به معنای حقانیت دموکراسی است.

(۲) در هیاهوی تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری علیه عدالت اجتماعی، تمامی تلاش در این است که بر روی دست‌آوردهای همین تجربه کوتاه ۷۰ ساله، پرده کشیده شود. این دروغ نیست که امروز، در کشوری با قریب ۳۰۰ میلیون جمعیت، بی سواد وجود ندارد؛ این دروغ نیست که بسیاری از قوم‌ها و ملت‌هایی که تا هفت دهه پیش، حتی خط و کتابت درستی نداشته‌اند، امروز صاحب آکادمی‌های علوم‌اند و نویسندگان و اندیشمندان بزرگی را به جامعه جهانی عرضه کرده‌اند؛ این دروغ نیست که «موزیک» روسی، که تا دهه دوم سده بیستم جزو اموال «اریاب» به حساب می‌آمد و دارائی «اریاب» را از روی تعداد رعیت‌های او به حساب می‌آوردند، امروز، آزاد از خان و ارباب، صاحب اندیشه‌اند و در همین جنبش‌های اجتماعی بعد از اعلام «پرومنتر ویکا» فعالانه شرکت می‌کنند؛ این دروغ نیست که آمار کتاب‌خوان‌ها و تیراژ کتاب‌ها، حتی کتاب‌های علمی در آن جامعه، بالاتر از هر جای دیگر جهان است؛ این دروغ نیست که اعتیاد به مواد مخدر و بی بند و باری در حد صفر بود، کسی بی‌گناه نبود، کسی از خدمات اولیه پزشکی محروم نبود، کسی در خیابان یا زیرزمین‌های مترو نمی‌خوابید و... ولی البته این جامعه، با شیوه‌ای که اداره می‌شد، از جایی به بعد، نتوانست آهنگ پیشرفت اقتصادی خود را حفظ کند، تمرکزگرایی و دستور از بالا، امکان «اتحاد داوطلبانه همه مردم» را از بین برد، بهادادن بیش از حد به ایده‌نولوژی، فرصت‌طلبان را وارد میدان و آزادگان و متخصصان را خشمگین و مأیوس کرد و...

همین جاست که عنصر دموکراسی، اهمیت و ارزش خود را نشان می‌دهد و «نواندیشی» می‌خواست و می‌خواهد کمبود را جبران کند و این عنصر لازم را، در زندگی مردم وارد سازد. «نواندیشی» می‌خواست و می‌خواهد، عدالت اجتماعی را بر اساس فطرت انسان، یعنی آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی، بنیان‌نهد. آزمایشی تازه و، بنابراین، دشوار است. در این آزمایش هم، ممکن است خطاهایی پیش آید، ولی این، از حقانیت آن نمی‌کاهد.

انسان امروزی می‌خواهد آزاد باشد و زندگی عادلانه داشته باشد. به هر تجربه‌ای

سرمایه‌داری است. البته، در پشت این هیاهوی تبلیغاتی، از یک طرف می‌خواهند بحران عمیق و دردناکی را، که سراسر اقتصاد و سیاست جهان سرمایه‌داری را فرا گرفته و آن را از درون می‌پوساند، پنهان کنند و، از طرف دیگر، به همه نهضت‌های عدالت خواهانه و آزاد بخش جهان سوم بقبولانند که، دوران شان به سر آمده است؟! و با این طرز فکر، بی‌رحمانه به جنبش انقلابی و رهائی بخش فلسطین یورش می‌برند تا شاید از نفوذ و گسترش آن جلو گیرند.

این مقاله کوتاه، جای تحلیل نظری شرایط تولیدی، اقتصادی و سیاسی روزگار ما نیست (که اصلاً کار یک نفر و یک روز نیست)، ولی می‌توان به چند نکته اساسی اشاره کرد. این‌ها درس‌های تاریخ‌اند که به قول رودکی:

هر که نامخت از گذشت روزگار
هیچ نامسوزد ز هیچ آموزگار

۱) جامعه انسانی، دورانی طولانی و چند هزار ساله، با نظام‌های غیر عادلانه طبقاتی سروکار داشته است و این، از یک طرف، به معنای تجربه‌ای دراز در روش‌های استثمار و در جهت ادامه نظام پرستم طبقاتی، برای آزمندان زورمداران بوده است و از طرف دیگر، برای توده‌های مردم، نظام طبقاتی را جبری، مقدر و غیر قابل اجتناب شناسانده است؛ توده‌های وسیع مردم، چنان با سنت‌ها و عادت‌های کهن عجین شده‌اند که آن‌را امری طبیعی می‌دانند، به نحوی که نه تنها استثمارگران توانسته‌اند اهرم‌های اصلی گردش جامعه را در دست‌های خود نگاه دارند، مردم زیرستم هم، بدان‌چه بر آن‌ها می‌گذرد، خو گرفته‌اند و دگرگون کردن آن‌را غیر ممکن و خلاف قانون طبیعت می‌پندارند.

به این ترتیب، نظام‌هایی که با پرچم عدالت اجتماعی، حکومت‌ها را به دست گرفتند، با دو مانع اصلی روبه‌رو بودند: بی‌تجربگی خود، و عادت‌ها و سنت‌های موجود. هیچ نمونه و الگویی برای ساختن جامعه‌ای عادلانه، در برابر آن‌ها نبود تا از آن پیروی کنند و ناچار بودند با روش آزمایش و خطا، حرکت کنند و این، به معنای آن است که باید منتظر خطاها و ناکامی‌هایی باشند.

به این مطلب، باید دو عنصر دیگر را هم، که علیه نظام تازه عمل می‌کرد، اضافه کرد: اول تحریک‌ها و خراب‌کاری‌های جهان سرمایه‌داری، و دوم خودخواهی‌ها و خودبینی‌های برخی از رهبران. در ضمن، انقلابیونی هم که در تمامی عمر مفید خود، به مبارزه علیه وضع موجود پرداخته بودند، اینک با بدست گرفتن حکومت، لازم بود در روش و شیوه تفکر خود تغییری جدی پیدا کنند و به جای «مبارزه» و «ویران‌گری» که لازمه دوران سخت‌پیکار با حکومت‌های ظالم بود، به سازندگی رو آورند و این تغییر جهت ۱۸۰ درجه‌ای، کار

دکتر مصطفی ازکیا
دکتر کاوه احسانی

جنبه‌های اجتماعی تقسیم آب رودخانه در خوزستان

تحقیق گرتیاری که بخش اول آن در این شماره به چاپ می‌رسد، کار ارز شمند جناب آقایان دکتر مصطفی ازکیا دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و دکتر کاوه احسانی استاد جغرافیای انسانی دانشگاه جان‌هابکیتز، آمریکا و کارشناس بانک جهانی است. این مطالعه حاصل زحمات مسئولان این دو پژوهشگر در تابستان سال ۱۳۶۸ است. ضعف و نارسایی‌های پژوهش و کند و کاو در مسائل روستایی ایران، و کمبود منابع تحقیقی، آماری در این زمینه، ما را بر آن داشت که با وجود محدودیت صفحات کتاب توسعه، حداقل بخشی از آن را در این شماره به علاقمندان مسائل توسعه روستایی ایران تقدیم نمایم. دیگر بخش‌های این پژوهش، به‌طور منظم در شماره‌های آینده کتاب توسعه منتشر می‌شود.

نظام آبیاری رودهای خوزستان، کمابیش به یکدیگر شباهت دارد لذا در این بخش به منظور جلوگیری از اطباب کلام فقط به شیوه و روند آبیاری رود «الله» می‌پردازیم. رودخانه «الله» که دشت رامهرمز را آبیاری می‌کند از شمال شرقی دشت به آن وارد شده و پس از گذار از شرق و جنوب شهر «رامهرمز» به رود «مارون» پیوسته و مشرف کآرودخانه «جراحی» را پدید می‌آورد. به غیر از رود مذکور، دشت «رامهرمز» توسط تعدادی چشمه که نهایتاً ریشه در بستر آبخیز همان رود ورود «کویال» و حوزة آبخیز آنان دارند، آبیاری می‌گردند. به علاوه تعدادی چاه نیمه عمیق و عمیق نسبتاً جدیدالتأسیس در این منطقه حفر شده است.

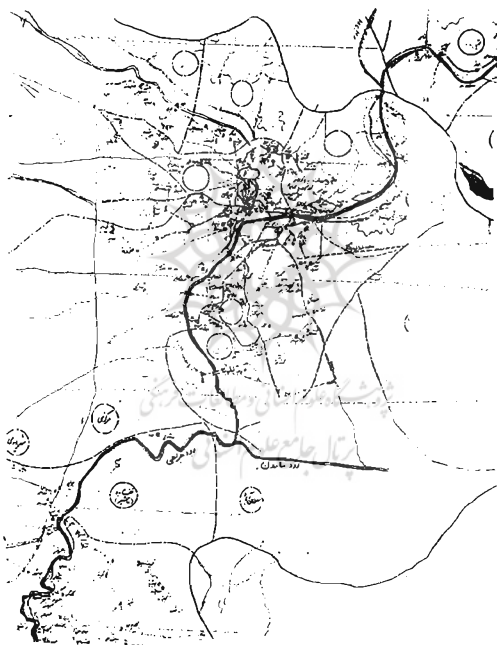
دست می یازد، هر کوجهای را آزمایش می کند، از بن بست ها نمی هراسد، هر جا به سدی غیر قابل عبور برخورد کند، بر می گردد و به جست و جوی راه تازه ای می رود. ایده آل او آزادی و عدالت اجتماعی است و آن را از او نمی توان گرفت. راه ها، ممکن است سخت و پرمسگلاخ و یا حتی «بی راهه» باشند، ولی این، به هیچ وجه، از ارزش آرمان انسانی او کم نمی کند. هدف انسان امروزی روشن است و می خواهد به آزادی و عدالت اجتماعی دست یابد و، بدون تردید، همین روش آزمایش و خطا، راه را بر او هموار می کند و سرانجام به مقصود می رساند. نمونه انقلاب بزرگ مردم قهرمان ایران دلیل روشن و انکارناپذیری در این مورد است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زراعی منطقه بیافکنیم ملاحظه می‌شود که تاریخ کاشت و برداشت پر درآمدترین محصولات سالانه که به ترتیب برنج، گوجه، خیار و کنگد است در همین فصل سال رخ می‌دهد.^(۱) تمامی کشت‌های مذکور نیاز به آبیاری مداوم و فراوان داشته و در نتیجه رقابت و درگیری بر سر تقسیم منابع مجدد آب جزء لاینفک روابط اجتماعی جامعه روستائی منطقه است!

نقشه شماره ۱ رامهرمز - رامشیر



اطلاعات مختلف راجع به آبیاری دشت توسط چاه‌ها و چشمه‌ها در گزارش مرحله دوم طرح جامع رامهرمز - مجلد‌های مختلف راجع به منابع آب سطح الارضی، منابع آب زیرزمین، زراعت و باغداری - (سال ۱۳۶۵) به تفصیل آورده خواهد شد و در اینجا اشاره‌ای به آن نمی‌شود.

هدف اصلی از مطالعه نظام آبیاری در این بخش، ترسیم شیوه تقسیم آب رود «الله» در تابستان و قراردادهای اجتماعی که این تقسیم در ادوار مختلف پدید آورده می‌باشد. آب رودخانه «الله» برای مصرف شرب شهر رامهرمز، آبیاری باغات و کشاورزی روستاهای حومه و حاشیه شهر توسط چهار نهر اصلی به نام‌های «سرطاه»، «بورشاهی»، «شهریاری» و «قلعه شیخ» تقسیم می‌گردد. این نهرها امروزه در بستر سنگلاخ، رودخانه توسط بولدوزر ماشین‌آلات سنگین حفر شده و به ترتیب از این بستر منشعب می‌شوند. در گذشته و پیش از ورود ابزار مکانیزه به منطقه حفر و لایروبی نهرها، توسط نیروی کار زارعین انجام می‌گرفت ولی امروزه ابزار مکانیکی جایگزین فعالیت یدی کشاورزان گردیده و تأثیرات اجتماعی این دگرگونی در ابزارها بعداً مورد توجه قرار خواهیم داد.

آن بخش از رودخانه الله در دشت رامهرمز که انشعاب آنها در مسیر آن صورت می‌گیرد و مورد نظر این پژوهش است حدود ۳-۴ کیلومتر طول دارد (نقشه‌های ۱ و ۲). در طول این مسیر چهار نهر فوق از بستر رود منشعب شده و تمامی آب رودخانه را بعد از دشت رامهرمز منتقل می‌کنند. به عبارت دیگر همه آب تابستانه رود الله برای مصارف ذکر شده فوق (شهر، باغات، کشاورزی) و خصوصاً برنجکاری، و صیفی کاری (یعنی محصولات تجاری)، مورد استفاده قرار می‌گیرد. آبی که در نهایت از رود الله به جراحی می‌ریزد تنها زهاب است که بصورت چشمه در جنوب دشت مجدداً به سطح آمده و در بستر جریان می‌افتد. اگرچه آب در هر ۴ نهر در تمامی فصل‌ها جریان دارد ولی تقسیم حساب شده آن تنها در فصل تابستان، از اوایل تیر و برای ۳-۴ ماه تا اوایل آبان ماه ادامه دارد. نظری اجمالی به برخی خصائص جغرافیای منطقه به وضوح نشان می‌دهد که دوره فصل تابستان، یعنی هنگامی که میزان بارندگی، رطوبت هوا، و میزان آب جاری در رودخانه در سطح حداقل است و دمای هوا در اوج خود می‌باشد، از پر درآمدترین و از لحاظ اقتصادی پراهمیت‌ترین کشت‌های منطقه را دارد (جدول شماره ۱ تقویم زراعی)، به علاوه اگر توجهی به میزان نیاز آبی دشت در فاصله ماه‌های تیر تا اواخر مهر داشته باشیم، ملاحظه می‌شود که از ۱/۴ تا ۳ میلیون متر مکعب در ماه کمبود آب وجود دارد. طی این دوران تبخیر در اوج خود (از خرداد تا شهریور) و بارندگی در حداقل خود (از اردیبهشت تا مهر فقط ۵٪ بارندگی سالانه رخ می‌دهد) و دمای هوا در این دوران در اوج خود (تا ۵۴° C) می‌باشد. اگر نگاهی به تقویم

نقشه شماره ۲ تقسیم رود عدا میان اتهار آبیاری

